

سبک‌های زبانی در فارسی و نمود ادبی

علی افخمی*

استاد گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران

سیدضیاءالدین قاسمی**

دانش‌آموخته دوره دکتری گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۶/۱۱، تاریخ تصویب: ۸۸/۱۱/۱۱)

چکیده

یکی از مهمترین مباحث زبان‌شناسی «سبک‌های زبانی» (language styles) است. در یک جامعه زبانی، افراد بر اساس میزان رسمی بودن موقعیت مکالمه، میزان صمیمیت خود با مخاطب و میزان فاصله جایگاه اجتماعی خود از مخاطب، اشکالی کاربردی از زبان را به کار می‌برند که به «سبک زبانی» معروفند. هدف از نگارش مقاله این بوده است که سبک‌های متفاوت زبانی در فارسی امروزی مشخص شوند. یکی از دستاوردهای این پژوهش این است که چارچوبی روشن برای در نظر گرفتن تفاوت‌های سبکی در گردآوری و توصیف داده‌های زبانی در پژوهش‌ها مشخص می‌شود. همچنین به این طریق مبنایی برای ویرایش متون مختلف و نقد آثار ادبی در جنبه‌های مرتبط با سبک‌های زبانی گذارده می‌شود. پس از بررسی سبک‌های زبانی در فارسی و توصیف پیوستار سبکی برای آن، پنج سبک محترمانه (deferential)، رسمی (formal)، نیمه‌رسمی (semiformal)، محاوره‌ای (colloquial) و عامیانه (slangy) در زبان فارسی مشخص شده و مثال‌هایی از آثار ادبی برای این سبک‌ها ذکر شده است.

واژه‌های کلیدی: سبک، سبک زبانی، سبک ادبی، زبان‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی.

* تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۱۸۰۷۴، دورنگار: ۰۲۱-۲۲۷۱۷۱۱۸، E-mail: icps@yahoo.com

** تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۳۴۱۸، دورنگار: ۰۲۱-۶۶۴۰۵۰۴۷، E-mail: z33ir@yahoo.com

۱- مقدمه

در نگارش این مقاله، رویکرد زبان‌شناسی زایشی اتخاذ و سبک‌های زبانی به عنوان بخشی از توانش زبانی فارسی‌زبانان در نظر گرفته شده است. بررسی داده‌ها و ارائه مثال‌ها نیز به روش قیاسی انجام پذیرفته است که مبنای کار زبان‌شناسی زایشی است یعنی در این پژوهش زبانی، از شم زبانی نویسندگان مقاله بهره گرفته شده است نه از گردآوری داده‌های تصادفی. در این مقاله انواع سبک‌های زبانی فارسی بررسی و توصیف می‌شوند و برای روشن‌تر شدن تفاوت سبک‌های زبانی مثال‌هایی ذکر می‌شوند که نمایانگر صورت‌های متفاوت سبکی در آثار ادبی‌اند. در این میان باید به دو نکته مهم توجه داشت. نکته اول این است که در بررسی سبک‌های زبانی، به تغییرات زبانی در طول زمان نمی‌پردازیم، بلکه سبک‌های گوناگونی را که در یک مقطع زمانی در کنار هم در جامعه زبانی موجودند بررسی می‌کنیم. نکته دوم این است که سبک‌های زبانی، متفاوت از گونه‌های زبانی (language varieties) اند که به دلیل عوامل فردی، اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی در هر زبان وجود دارند. هر گونه زبانی در بر گیرنده مجموعه‌ای از اقلام زبانی است که توزیع اجتماعی یکسان دارند (هادسون ۲۴).

وجود گونه‌ها و سبک‌های زبانی در زبان بر این حقیقت استوار است که با دو یا چند صورت زبانی، مفهوم واحدی را می‌توان بیان کرد، یعنی برای یک مدلول واحد چند دال متفاوت می‌توانیم داشته باشیم که از لحاظ گونه‌ای یا سبکی با هم تفاوت دارند. به عبارت دیگر در هر زبان، امکانات گوناگونی برای بیان مفاهیم وجود دارد و بسته به این که چه کسی با چه ویژگی‌های فردی، جغرافیایی و اجتماعی یا در چه نوع ارتباط زبانی از آن استفاده می‌کند بخشی از این امکانات در چارچوب یک گونه زبانی معین یا یک سبک معین به کار گرفته می‌شود.

تغییرات و تفاوت‌های زبانی را به طور کلی می‌توان در دو محور در زمانی (diachronic) و همزمانی (synchronic) بررسی کرد. تغییرات در زمانی مشتمل بر تغییرات زبان در طول زمان است که در برگیرنده موضوعات تاریخی زبان است، ولی تغییرات همزمانی مشتمل بر پدید آمدن گونه‌های مختلف زبانی در نقطه معینی از زمان، مثلاً در زمان حال است. در بررسی همزمانی، همواره می‌توان در هر زبانی همزیستی صورت‌های متفاوت را برای مدلولی واحد نشان داد (کالوه ۱۰۷).

مبحث گونه‌های زبان بسیار گسترده است که در اینجا فقط اشاره‌ای به آنها می‌شود زیرا در این مقاله سبک‌های زبان و نه گونه‌های آن محور بحث‌اند. سبک‌های زبانی از نوع رابطه دو

سبک‌های زبانی در فارسی و نمود ادبی ۷

طرف ارتباط زبانی تأثیر می‌پذیرند. به طور خلاصه می‌توان گفت که عوامل تاریخی باعث پدید آمدن گونه‌های متفاوت زبان در دوره‌های تاریخی می‌شوند، با این یادآوری که هر دوره تاریخی گونه زبانی خاص خود را دارد. عوامل جغرافیایی موجب پدید آمدن گونه‌های جغرافیایی، یا به عبارت دیگر گویش‌ها می‌شوند. عوامل فردی نیز گونه‌هایی فردی را پدید می‌آورند که مبتنی بر خصوصیات زبانی و روانشناختی افرادند. عوامل اجتماعی نیز گونه‌های اجتماعی زبان را پدید می‌آورند و مهمترین این عوامل عبارتند از: سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، تحصیلات، شغل، قومیت، مذهب، کاربرد اجتماعی (مانند تفاوت نثر علمی، روزنامه‌ای، ادبی و غیره) و ابزار بیان (گفتار یا نوشتار).

مطالعه سبک‌های زبانی یکی از مباحث مهم گستره سبک‌شناسی (Stylistics) نیز هست. سبک‌شناسی توصیف و تحلیل انواع صورت‌های زبانی در کاربردهای عملی زبان است (ماکرچی ۱۰۴۳). مفاهیم سبک و تنوع سبکی در زبان مبتنی بر این فرض کلی است که در درون نظام زبان محتوایی واحد را می‌توان در بیش از یک صورت زبانی رمزگذاری کرد. سبک در زبان صرفاً نمایی روبنایی نیست بلکه برعکس بخشی اساسی از معنای رساننده شده توسط نویسنده را تشکیل می‌دهد (گرین ۳۱۲).

بررسی سبک در زبان‌شناسی برای توصیف گزینه‌هایی انجام می‌شود که در اختیار کاربر زبان است و به او در محدوده‌ای بالاتر و فراتر از گزینه‌های لازم برای بیان ساده معنا، آزادی عمل می‌دهد. صورت‌های زبانی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از امکانات برای تولید متون تفسیر کرد. در دوره اخیر پیشرفت‌های قابل توجهی در توصیف چارچوب مفهومی سبک‌شناسی حاصل شده است (کخ ۴۱).

یکی از گستره‌های مهم سبک‌شناسی، سبک‌شناسی ادبی است. در دوره معاصر توجه به سبک‌شناسی در محافل علمی افزایش چشمگیری داشته و در زبان فارسی نیز آثاری در این زمینه عموماً توسط زبان‌شناسان و ادیبان نوشته شده است (شمیسا ۱۳). یکی از مباحث بنیادی سبک‌شناسی ادبی نیز سبک‌های زبانی است. امروزه در بسیاری از آثار ادبی، سبک‌های زبانی به همان گونه که در زندگی روزمره و گفتار رایج وجود دارند، بازنمایی می‌شوند. بخش بعدی مقاله به بررسی سبک‌های زبانی می‌پردازد.

۲- سبک‌های زبانی

در پیدایش سبک‌های یک زبان معین، ویژگی‌های زبانی مختلفی از لحاظ واژگانی،

دستوری و آوایی تأثیر دارند. در هر زبان، امکانات مختلف برای بیان یک مطلب موجود است که یک فرد معین بر مبنای تسلط خود بر سبک‌های مختلف، در موقعیت‌های مختلف از آنها استفاده می‌کند. هر کس با ارزیابی موقعیت اجتماعی، موضوع ارتباط و نوع رابطه خود با شنونده، از میان سبک‌های موجود سبک مناسب را برمی‌گزیند. به طور کلی در موقعیت‌هایی مانند سخنرانی‌ها یا در نوشتار که نسبت به گفتار توجه بیشتری به زبان می‌شود کاربرد ویژگی‌های زبانی نزدیک‌تر به زبان معیار (standard language) بیشتر است و در موقعیت‌هایی مانند گفتگوهای دوستانه و صمیمانه که به رفتار زبانی توجه کمتری می‌شود ویژگی‌های دورتر از زبان معیار بیشتر مشاهده می‌شوند. برای مثال، در سطح واژگان، مفهوم معین «گفتن» را می‌توان با صورت‌هایی نظیر «گفتن»، «عرض کردن»، «فرمودن»، «به استحضار رساندن» و نظایر آن بیان کرد. یا مثلاً صورت‌های «آمدن»، «خدمت رسیدن»، «تشریف آوردن» و «شرفیاب شدن» بر مفهوم واحدی دلالت دارند و تفاوت میان آنها صرفاً سبکی است و بسته به نوع رابطه میان گوینده و شنونده، یکی از آنها در ارتباط زبانی استفاده می‌شود. برخی از افعال پر کاربرد فارسی دارای ستاک‌های رسمی و غیر رسمی مختلفی‌اند که در گونه‌های سبکی مناسب به کار گرفته می‌شوند. مثلاً فعل رفتن در صورت‌های صرفی مختلف مانند «می‌روم» دارای دو ستاک رسمی /rav-/ و غیر رسمی /r-/ است که به ترتیب در صورت‌های رسمی «می‌روم» /miravam/ و غیر رسمی «می‌رم» [miram] ظاهر می‌شوند. ستاک غیر رسمی به طور معمول از ستاک رسمی کوتاه‌تر است (هاج ۳۶۶).

هر یک از سبک‌های زبانی ویژگی‌های آوایی، دستوری و واژگانی معینی دارند که همگان از این ویژگی‌ها آگاه‌اند. برای مثال، یکی از گرایش‌ها در سبک‌های غیررسمی‌تر گرایش به حذف همخوان پایانی در خوشه‌های دو همخوانی پایانی واژه‌های فارسی است یعنی در واژه‌هایی مانند «دوست» و «دست» همخوان آخر حذف و صورت‌های «دوس» و «دس» حاصل می‌شود که نمود این تغییر را در نوشتار مثلاً در عبارات «دوس دارم» و «دس بزن» می‌توان مشاهده کرد. این گرایش در گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ ساله ۲۰ درصد بیشتر از میزان آن در گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال است (مدرسی ۱۸۰).

در زبان انگلیسی پنج نوع سبک زبانی را باز شناخته‌اند (جوس ۱۹۶۱). یک نوع از این سبک‌ها سبک کلیشه‌ای (frozen style) است که در موقعیت‌های بسیار رسمی نظیر دادگاه‌ها و مراسم ازدواج در کلیساها کاربرد دارد و ویژگی آن بسامد زیاد اصطلاحات و عبارات کلیشه‌ای است. نوع بعدی، سبک رسمی (formal style) است که در موقعیت‌های رسمی نظیر

سخنرانی‌ها، گردهم‌آیی‌ها و دیدارهای رسمی استفاده می‌شود. سبک دوستانه (casual style) توسط همکاران و همکلاسان و در مکان‌هایی نظیر مدرسه و محل کار به کار می‌رود. سبک محاوره‌ای (colloquial style) توسط مردم کوچه و بازار استفاده می‌شود و سبک خودمانی (intimate style) توسط دوستان بسیار نزدیک و بسیاری از زن و شوهرها که رابطه‌ای بسیار صمیمانه دارند، به کار می‌رود.

در زمینه سبک‌های زبانی فارسی نیز بررسی‌هایی انجام شده و انواعی از این سبک‌ها را مشخص نموده‌اند، از جمله سبک غیر رسمی، سبک رسمی محتاطانه و سبک رسمی (هاج ۱۹۵۷). مثلاً صورت‌های رفتی [rafti]، رفتین [raftin] و رفتید [raftid] به ترتیب در سبک‌های مذکور برای دوم شخص مفرد به کار می‌رود و البته صورت دوم و سوم، شکل محترمانه فعل‌اند که در آن به منظور نشان دادن احترام، صیغه دوم شخص جمع برای دوم شخص مفرد استفاده می‌شود.

در ادامه مبحث سبک‌های مختلف زبانی در فارسی، ویژگی‌های مربوط به هر سبک و ویژگی‌های مربوط به نمود ادبی این سبک‌های زبانی ذکر می‌شود. ولی پیش از آن، توضیح یک نکته ضروری می‌نماید و آن دو رویکرد عمده در نگارش مکالمات در آثار ادبی است. در رویکرد اول، بازنمایی مکالمه افراد مطابق با صورت واقعی آنها یعنی شکل تحقق یافته سبک‌های زبانی انجام نمی‌شود و همه مکالمات به سبک زبانی رسمی (زبان معیار) بازنموده می‌شوند. در این رویکرد همه جملات اعم از جملات ادا شده در سبک‌های رسمی و غیر رسمی به یک روش نوشته می‌شوند مثال:

- با پدرتان آهسته صحبت کنید آقا. در این دو ماه خیلی شکسته شده است.
- پنج ماه بود دایه آقا. بله، می‌دانم که چه پیش آمده است.
- زن پیر سرش را تکان می‌دهد و شورابه‌های چشمش را با چادر سیاه پاک می‌کند.
- نه آقا ... شما کجا بودید که بدانید؟
- خواب می‌دیدم. تمام این شب‌ها خواب این خانه را و این باغ را می‌دیدم و می‌دانستم که چه سخت می‌گذرد (ابراهیمی ۸۱).

در این رویکرد، نمود سبک زبانی مکالمات بین شخصیت‌ها تقریباً همانند نمود سبک زبانی به کار رفته در بخش‌های دیگر اثر است، یعنی کل جملات اثر مورد نظر، یکدست و همگن می‌نمایند. در این رویکرد، اگر تفاوتی از لحاظ سبک زبانی میان گفتار شخصیت‌های

داستان و متن داستان وجود داشته باشد این تفاوت جزئی خواهد بود، برای مثال ممکن است در به کارگیری برخی از واژه‌ها و اصطلاحات، یا در موارد اندکی در حذف حرف اضافه از گروه‌های حرف اضافه‌ای خود را نشان دهد. مثال:

صدای یوسف آمد که: چرا دهنه را از سر حیوان برنداشته‌ای؟ چرا حیوان را به ایوان برده‌ای؟ باباجان، حیوان خسته است. ببرش طویله. معالجاتت را بگذار برای صبح. خسرو پا شد و گفت: پدر اجازه بده، حالا دیگر روغن فندق حاضر است. می‌مالم سر زانویش و می‌برمش طویله. اینکه آوردمش ایوان، شیطانی می‌کرد و می‌گذاشت دنبال بچه آهو (دانشور ۵۶).

در متن فوق حرف اضافه «به» قبل از «طویله» و «ایوان» حذف شده است و اصطلاح «شیطانی کرده» که مربوط به سبک زبانی محاوره‌ای است در این متن که همه جملاتش به سبک رسمی نوشته شده‌اند، به کار رفته است.

در رویکرد دوم، سبک‌های زبانی به همان صورت عینی با ویژگی‌های مربوط به خود بازنموده می‌شوند یعنی سبک زبانی جملات مورد نظر عیناً در نوشتار نمود می‌یابد این گونه است که جملات مختلف متن داستانی از لحاظ سبکی از هم متمایز می‌شوند، یعنی جملات مربوط به گفتار و مکالمه شخصیت‌ها به سبک محاوره‌ای و جملات مربوط به متن داستان به سبک رسمی نوشته می‌شوند. مثال:

سقلمه‌ئی به فروغ زدم. گفتم: «مگه نمیگی نادر مرده؟ کو پس، دروغگو؟»
گفت: «مرده شور اون دست سنگیتو ببره!»

و برای این که پیش من پز بدهد چادر نمازش را جلو صورتش گرفت و مثل زن‌های دیگر شروع کرد برای مرده گریه کردن (شاملو ۸۶).

در مثال فوق جملات مربوط به گفتار شخصیت‌های داستان، سبک محاوره‌ای را بازمی‌نمایند. جملات غیر از آنها، یعنی جملات مربوط به متن داستان که توسط راوی روایت می‌شوند، به سبک رسمی نوشته شده‌اند. بخش بعدی مقاله به توصیف انواع سبک‌های زبانی در فارسی می‌پردازد.

۳- انواع سبک‌های زبانی در فارسی

سبک مجموعه‌ای از ویژگی‌های زبانی معین است که در موقعیت‌های اجتماعی معین در گفتار یا نوشتار به کار گرفته می‌شود. اعضای هر جامعه زبانی دارای یک ذخیره دادگان

زبانی‌اند که سبک‌های زبان نیز در آن وجود دارند و بسته به بافت و موقعیت خاصی نوعی از آنها ممکن است به کار گرفته شود. در انتخاب یک سبک مشخص، در یک موقعیت مشخص، عوامل مختلفی تأثیر دارند، از جمله رابطه گوینده و شنونده از نظر تفاوت جایگاه اجتماعی و از لحاظ میزان صمیمیت، موضوع ارتباط زبانی، هدف ارتباط زبانی، موقعیت مورد نظر از نظر زمانی و مکانی و همینطور حضور یا عدم حضور دیگران.

سبک‌های زبانی را می‌توان به صورت بخش‌هایی روی یک پیوستار در نظر گرفت که میزان رسمی بودن در آن، بسته به جایگاه اجتماعی طرف‌های ارتباط و میزان صمیمیت گوینده و شنونده به تدریج کاهش می‌یابد. البته بین سبک‌ها مرز کاملاً روشن و دقیقی وجود ندارد و آن‌ها تا حدی ممکن است همپوشی داشته باشند. این پیوستار را می‌توانیم با نمودار زیر نشان دهیم:

← سبک محترمانه سبک رسمی سبک نیمه‌رسمی سبک محاوره‌ای سبک عامیانه

نمودار ۱: پیوستار سبکی در زبان فارسی

در این نمودار هر چه از راست به چپ می‌رویم از میزان رسمی بودن سبک زبانی کاسته می‌شود. برای روشن‌تر شدن موضوع، در زیر جمله‌ای را با نمودهای مختلف در سبک‌های یاد شده، شاهد می‌آوریم:

- محترمانه: به آن دو نفر بفرمایید برای صرف غذا به تالار تشریف ببرند.
- رسمی: به آن دو نفر بگویید برای خوردن غذا به تالار بروند.
- نیمه رسمی: به اون دو نفر بگین برای خوردن غذا به تالار برن.
- محاوره‌ای: به اون دو نفر بگو برای خوردن غذا برن تالار.
- عامیانه: به اون دو نفر بگو واسه لمبوندن برن تالار.

بر همین اساس سبک‌های زبانی در فارسی امروز را می‌توان مشتمل بر موارد زیر دانست:

۱-۳- سبک محترمانه

سبک محترمانه سبکی بسیار رسمی است و در موقعیت‌هایی استفاده می‌شود که جایگاه اجتماعی دو طرف مکالمه بسیار بالاست، مثلاً میان دو سفیر یا دو مقام بلند پایه دولتی یا علمی یا در موقعیت‌هایی که فاصله گوینده و شنونده از لحاظ مرتبه اجتماعی یا صمیمیت بسیار زیاد

است. از ویژگی‌های این سبک کاربرد افعال بسیار محترمانه نظیر «فرمودند» (معادل گفت)، «ملاحظه کردند» (معادل دید)، «تشریف بردند» (معادل رفت) و نظایر آنهاست. همچنین در این سبک حذف حروف اضافه و کاربرد اصطلاحات متعلق به سبک‌های محاوره‌ای و خودمانی دیده نمی‌شود. بسیاری از اصطلاحات و عبارات این سبک نیز کلیشه‌ای‌اند، مثلاً در مراسم عزا عبارت «بقای عمر شما باشد» و در زمینه کسب و کار عبارت «توقف بیجا مانع از کسب است» رواج دارند. یکی از ویژگی‌های این سبک این است که ضمایر و صیغه‌های فعلی مربوط به دوم شخص جمع به جای دوم شخص مفرد به کار می‌رود و دلیل آن هم رساندن مفهوم «احترام» است، مثلاً به جای «تو به مدرسه رفتی» گفته می‌شود «شما به مدرسه رفتید» این ویژگی گاه در سبک‌های رسمی و نیمه رسمی نیز دیده می‌شود، البته با اندکی تفاوت در صورت روستاختی صیغگان افعال در سبک نیمه رسمی. مثلاً در سبک نیمه رسمی صورت «نرفتن» استفاده می‌شود.

در آثار ادبی اگر موقعیت ایجاد شده در مکالمه، موقعیتی با همین مشخصات باشد گفتار گوینده به همین سبک نمود می‌یابد. مثال:

ولی این سکوت، در پاره‌بی مسائل که رنگ شوخی ندارد ممکن است اشتباهاتی را باعث شود و ضایعاتی به بار آورد که من این جا برای جلوگیری از اطالة کلام با کمال تأسف از ذکر امثله بی شماری که در مورد آن به یاد دارم خودداری می‌کنم ... در هر حال من برای استماع توضیحات کافی آقایان آماده‌ام و همان طور که همیشه رویه اینجانب بوده برای ایضاح هر چه بیشتر مسائل ... از صرف اوقات گرانهای خود ... به هیچوجه مضایقه ندارم (شاملو ۱۴۷).

۲-۳- سبک رسمی

اساس این سبک را زبان معیار تشکیل می‌دهد. منظور از زبان معیار گونه‌ای زبانی است که در روند معیارسازی (standardization) توسط جامعه که روندی مستقیم و آگاهانه است، انتخاب و به کار برده می‌شود (هادسون ۳۲). زبان معیار یا سبک رسمی به طور رایج در مراکز اداری و آموزشی کشور و در نگارش آثار ادبی و علمی استفاده می‌شود. این سبک در نگارش بخش اعظم متون ادبی و علمی و فنی، سخنرانی‌ها و جلسات رسمی، موقعیت‌های رسمی نظیر سمینارهای دانشگاهی و جلسات دادگاه‌ها، اخبار رادیو و تلویزیون و نظایر آنها به کار می‌رود. در سبک رسمی، صیغگان افعال به همان صورت که در زیرساخت یعنی در نظام زبانی فارسی‌زبانان وجود دارد به کار می‌روند و تغییر نمی‌کنند. حذف حروف اضافه نیز به آن شکل

که در سبک‌های دیگر دیده می‌شود در این سبک وجود ندارد. همچنین بخش اعظم اصطلاحات مربوط به سبک‌های محاوره‌ای و خودمانی در این سبک کاربرد ندارند. در مثال زیر مکالمه دو فرد اشرافزاده که در صحبت با یکدیگر سبک رسمی را به کار می‌گیرند مشاهده می‌شود:

گفتم: فخرالنساء، صبح به این زودی سرما می‌خوری، آن هم با این پیراهن تور.
گفت: دیر یا زود، چه فرق می‌کند؟ دیشب چقدر باختی، شازده؟
گفتم: تعریفی نداشت.
گفت: تو سرما نخوری.
گفتم: نترس. (گلشیری ۱۱۱)

۳-۳- سبک نیمه رسمی

سبک نیمه رسمی هم دارای برخی از ویژگی‌های سبک رسمی است و هم دارای برخی از ویژگی‌های سبک محاوره‌ای. سبک نیمه رسمی در موقعیت‌هایی استفاده می‌شود که رسمی بودن رابطه دو طرف کمتر است و گفتار طرفین مکالمه به سبک محاوره‌ای نزدیک شده است. مثلاً دانش‌آموزان در کلاس درس هنگام صحبت با آموزگارشان و کارمندان در محل کار هنگام صحبت با رئیس اداره از این سبک استفاده می‌کنند. در این سبک، صیغگان افعال دارای صورت آوایی و نوشتاری متمایز از صورت افعال در سبک رسمی‌اند. مثلاً «بگوئید» به صورت «بگین»، «بروند» به صورت «برن» و «بیایید» به صورت «بیاین» تلفظ و بر همین اساس نوشته می‌شوند. در مثال‌های زیر سبک نیمه‌رسمی به کار رفته است:

- ناراحت نشین مامانم. یک گوسفند نذر ابوالفضل کنین (شاملو ۸۰).
- برای جواز دفن فردا صبح هم می‌تونستین بفرستین پی من (همان ۸۱).
در بعضی از مواقع حرف اضافه در گروه‌های حرف اضافه‌ای حذف می‌شود. مثلاً در متن زیر حرف اضافه «به» قبل از «هندوستان» و «جلفا» حذف شده است:
«شوهر که کرد رفت هندوستان و چند سال بعد با پسرش برگشت جلفا» (پیرزاد ۲۷).
همچنین اصطلاحات محاوره‌ای و عامیانه (که در سبک‌های محترمانه و رسمی به ندرت به کار می‌روند یا اصلاً به کار نمی‌روند و در سبک‌های محاوره‌ای و خودمانی به میزان بسیار زیاد به کار می‌روند) در موارد اندکی، در سبک نیمه رسمی دیده می‌شوند. مثلاً برخی از این اصطلاحات را در عبارتهای زیر می‌توان دید:

«... و باز ارمنی‌های جلفا ساز کوک کردند...»، «توی جلفا چو افتاد پسرش مرض لاعلاجی گرفته...»، و «و تبریزی از دماغ فیل افتاده؟» (همان ۲۷)

برای این که تغییرات مربوط به صیغگان فعل در این سبک به طور روشن‌تری مشاهده شوند صیغگان فعل مضارع از «رفتن» در دو سبک رسمی و نیمه رسمی در زیر ذکر می‌شود. صیغگان رسمی عبارتند از: «می‌روم، می‌روی، می‌رود، می‌رویم، می‌روید، می‌روند». صیغگان نیمه رسمی عبارتند از: «می‌رم، می‌ری، می‌ره، می‌ریم، می‌رین، می‌رن».

۴-۳- سبک محاوره‌ای

ویژگی‌های رسمی این سبک نسبت به سبک نیمه رسمی کمتر است، از جمله این که در سبک نیمه رسمی کاربرد صیغه‌های فعلی دوم شخص جمع به جای دوم شخص مفرد برای بیان مفهوم احترام بیشتر دیده می‌شود تا در سبک محاوره‌ای. واژه‌های بیش از حد تخصصی یا ادبی یا فنی و به طور کلی واژه‌هایی که خاص سبک رسمی‌اند عموماً در این سبک کاربرد ندارند. مثلاً به طور معمول واژه‌های «درمی‌نوردم»، «بدرود»، «چگونه»، «پرداختن»، «تعلل» و «تناول» در سبک محاوره‌ای به کار نمی‌روند. یکی دیگر از ویژگی‌های این سبک کاربرد ساخت‌های دوگان‌سازی شده نظیر «چیزمیز»، «کاغذماغذ»، «قاطی پاتی» و «صاف و صوف» است. همچنین در این سبک اصطلاحات محاوره‌ای کاربرد زیادی دارد. سبک محاوره‌ای همان سبک زبانی است که بین مردم در کوچه و خیابان که دارای سطوح متفاوت و متنوع تحصیلاتی، سنی و طبقاتی‌اند به کار می‌رود. در مثال‌های زیر سبک محاوره‌ای به کار رفته است:

- پدرم از دستم می‌ره. خداجان چه کار کنم؟

- چیزی نیست مامانم، خوب میشه.

- مرد این خونه تو هستی دیگه. (شاملو ۸۰)

سبک‌های رسمی و محاوره‌ای از لحاظ وسعت دامنه کاربرد، بارزتر از سبک‌های دیگرند و در واژگان زبان زوج‌های زیادی را می‌توان یافت که تفاوت آنها سبکی است و هر یک از اعضای هر زوج متعلق به یکی از این دو سبک اند، مثل {در، توی}، {عدد، تا}، {پنهان شد، قایم شد}، {نام، اسم}، {منزل، خانه} و {دشوار، سخت}.

۳-۵- سبک عامیانه

این سبک برای ارتباط زبانی میان کسانی به کار می‌رود که از اقشار پایین جامعه و مردم عامی کوچه و بازارند. همچنین این سبک بین کسانی که ارتباط خیلی صمیمانه دارند کاربرد دارد، نظیر دو دوست بسیار صمیمی، همکلاسی‌های مدرسه، رفقای هم محله، زن و شوهر، پدر و فرزند یا مادر و فرزند. این سبک با سبک محاوره‌ای تا حدی همپوشی دارد ولی یکی از ویژگی‌های بارز این سبک، کاربرد زیاد اصطلاحات عامیانه است.

به دلیل این که یکی از موارد کاربرد این سبک، در گفتار کسانی است که از طبقات پایین جامعه و عمدتاً بیسواد یا کم سوادند و از نظر اقتصادی و اجتماعی در پایین‌ترین سطوح جامعه قرار دارند در این سبک اصطلاحات عامیانه و واژه‌های زیادی به کار می‌رود که بخش عمده آنها عموماً در سبک‌های دیگر به کار نمی‌رود. واژه‌ها و عبارتهایی که به دلیل دشواری (taboo) بودن در سبک‌های دیگر به کار نمی‌روند، مثل فحش‌ها و متلک‌های عامیانه، در این سبک رواج دارند. در «کتاب کوچه» از احمد شاملو اصطلاحات بسیاری از این سبک را می‌توان یافت. در مثال‌های زیر نمودی از سبک خودمانی مشاهده می‌شود:

- آگه یه بار دیگه ببینه گردوبازی می‌کنی پوستتو قلفتی می‌کنه (شاملو ۱۶۰)

- حالا همه‌مون یکی یه شیکم سیر حلوا می‌خوریم (همان ۱۶۳)

- هیچ وقت بچه‌ها مثل حالا نیومده بودن دور هم بشینن بگن حسنی رئیس ماس تا منم عصای رئیسی رو بدم به‌اش (همان ۱۶۶).

از سوی دیگر به دلیل صمیمی بودن دو طرفی که از این سبک استفاده می‌کنند ممکن است واژه‌ها یا اصطلاحاتی توسط آنها به کار برود که برای طرفین ارتباط زبانی شناخته و رایج ولی برای سایرین نامأنوس و گاه غیر قابل درک است. حتی گاه واژه‌هایی ممکن است در این محدوده ساخته شود و به کار رود که در واژگان سایر زبانوران وجود ندارد و ساخته‌هایی به کار گرفته شود که بر اساس قواعد زبان معیار خوش ساخت نیست، ولی در موقعیت‌های صمیمی مورد نظر به طور نسبی رایج است. مثلاً پدر یا مادر در خطاب به فرزند خود ممکن است از واژه‌هایی نظیر «فینگیل»، «شپل»، «موشمولک»، «جینگول واویلا» و نظایر آنها استفاده کنند یا مثلاً صورت‌های بدساختی را که کودک در دوره زبان‌آموزی به اشتباه به کار می‌برد، به عنوان شوخی در مقطعی زمانی مانند عبارت‌های خوش ساخت به کار ببرند مثلاً به جای «مرد» از «مُرده شد» یا به جای «سوخت» از «سوزید» استفاده کنند. ضمناً در این سبک فرایندهای آوایی بسیار فعال‌اند و باعث تفاوت بسیار روساخت از زیرساخت می‌شوند. مثلاً عبارت

«دست‌هایت را» به صورت «دساتو» و عبارت «ما است» به صورت «ماس» و کلمات «شکم» و «جگر» به صورت «شیکم» و «جیگر» تلفظ می‌شوند.

۴- نتیجه

فرد در یک جامعه زبانی، بر اساس قرار گرفتن در موقعیت‌های اجتماعی معین و نوع ارتباط خود با مخاطب از لحاظ میزان رسمی بودن و میزان صمیمیت، سبک‌های زبانی معینی را به کار می‌گیرد. در زبان فارسی می‌توان پیوستاری سبکی در نظر گرفت که مشتمل بر سبک‌های محترمانه، رسمی، نیمه رسمی، محاوره‌ای و عامیانه است. این سبک‌ها را بر اساس ویژگی‌هایی می‌توان از هم متمایز دانست. سبک محترمانه در موقعیت‌های بسیار رسمی نظیر مکالمه بین دو مقام بلندپایه اداری استفاده می‌شود. سبک رسمی در مراکز اداری و آموزشی کشور رواج دارد و در نگارش آثار علمی و ادبی از آن استفاده می‌شود. سبک نیمه رسمی در موقعیت‌هایی استفاده می‌شود که رسمی بودن رابطه دو طرف کمتر است و گفتار طرفین مکالمه به سبک محاوره‌ای نزدیک شده است، مثلاً دانش‌آموز در کلاس درس در صحبت با آموزگار و کارمند با رئیس اداره در محل کار به این سبک صحبت می‌کنند. سبک محاوره‌ای در روابط روزمره بین مردم در مکان‌هایی نظیر خانه، مدرسه، باشگاه و غیره رواج دارد. سبک عامیانه نیز بین افرادی رایج است که به اقشار پایین جامعه تعلق دارند یا این که با یکدیگر خویشاوندی خیلی نزدیک یا رابطه بسیار صمیمانه‌ای دارند. توصیف این سبک‌ها و تمایزهایشان چارچوبی برای عملکرد درست در جمع‌آوری و توصیف داده‌های پژوهشی به دست می‌دهد و می‌توان آن را مبنایی برای ویرایش متون مختلف و نیز نقد آثار ادبی در ارتباط با سبک‌های زبانی دانست.

Bibliography

- Calve, J. (1379/2000). *Daramadi Bar Zabanshehasi Ejtemayi* (An Introduction to Sociolinguistics). trans. Mohammad-Jafar Puyandeh. Tehran: Naghsh Jahan Publication.
- Caldwell, E. (1372/1993). *Ghessehaye Babam* (My Father's Stories). trans. Ahmad Shamlu. Tehran: Zamaneh Publications.
- Daneshvar, S. (1348/1969). *Suvashun* (Mourning on Siyavash). Tehran: Khwarizmi Publications.

- Ebrahimi, N. (1380/2001). *Bare Digar Shahri Ke Dust Midashtam* (Once More the City I Loved). Tehran Ruzbahan Publications.
- Golshiri, H. (1384/2005). *Shazdeh Ehtejaab* (Prince Ehtejab). Tehran: Nilufar Publications.
- Green, S. J. (1992). "A basis for a formalization of linguistic style". *Proceedings of the 30th Annual Meeting on Association for Computational Linguistics*.
- Hodge, C. (1957). "Some Aspects of Persian Style". *Language* (33),: 355-69.
- Hudson, R. A. (1980). *Sociolinguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Joos, M. (1961). *The five clocks*. New York: Harcourt Brace.
- Koch, W.A. (1963). "On the Principles of Stylistics". *Lingua*, Volume 12, Issue 4, 1963,: 411-422.
- Modarresi, Y. (1368/1989). *Daramadi Bar Jameeshenasi Zaban* (An Introduction to the Sociolinguistics). Tehran: Pajuheshgah Publications.
- Mukherjee, J. (2005). "Stylistics", *Encyclopedia of Linguistics*, ed. Philipp Strazny. New York: Fitzroy Dearborn. pp. 1043-1045.
- Pirzad, Z. (1385/2007). *Cheraghha Ra Man Khamush Mikonam* (I will turn off the lights). Tehran: Markaz Publications.
- Shamisa, Sirus. (1386/2007). *Kolliate Sabkshenasi* (Stylistics General Issues). Tehran: Mitra Publications.
- Shamlu, A. (1373/1994). *Darha va Divare Bozorge Chin* (The Doors and the Great Wall of China). Tehran: Morvarid Publications.